



نویسنده :  
کاندید اکادمیسین اعظم سیستانی

# حاکمیت قانون

نخستین کتابی که بقلم شاه امان الله غازی درباره امور تفتیش ولایت قندهار نوشته شده "حاکمیت قانون" نام دارد که بعد از چاپ در عهد امانی نسخه های آن نایاب شده بود و بالاخره محقق کشور حبیب الله رفیع نسخه پی از آنرا دستیاب و با نوشتن یک مقدمه و تصحیح و تعلیقات در سال ۱۳۷۸ ش دوباره به نشر رساند.

آقای رفیع در مقدمه خود می نویسد: «امان الله خان با خلوص زیاد میخواست که در کشور حاکمیت قانون به وجود آید، لذا برای تمام ابعاد زندگی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور به شکل کتاب نظامنامه ها را بوجود آورد. برای تعمیم و تکثیر نظامنامه ها علاوه بر اینکه نظامنامه ها را وقتاً فوقتاً نشر میکرد، "روزنامه ابلاغ" را به همین منظور در سال ۱۳۰۰ ش (۱۹۲۱) تأسیس کرد و در آن قوانین و نظامنامه ها را نشر میکرد و نسخه های آنرا در مناطق مختلف و معین شهر کابل بردیوارها می آویختند تا مردم قوانین جدید را بخوانند. برای اینکه استفاده ازین نشریه ها بیش از پیش عامتر و ساده تر گردد، برای کسانی که از خواندن متن این روزنامه عاجز بودند، اشخاصی را مقرر کرد تا در اوقات معین هفته در محلات مختلف شهر برای مردم قوانین و نظامنامه ها را بخوانند و تشریح کنند و مردم را از محتویات قوانین با خبر سازند و بر آگاهی آنان بیفزایند.»

استاد رفیع میگوید: «این کتاب شاهدگویای دینداری، وطن دوستی، عشق به مردم و کفایت و درایت یک زمامدار و مظهر آرمانهای یک زعیم ملی یعنی اعلیحضرت امان الله خان است. این کتاب نمایانگر درک عمیق ملی وی بوده و نظر وی را در راه انکشاف متوازن کشور می نمایاند. و برای ما می نمایاند که جناب شان برای انکشاف ولایات، استحکام ملی و استقلال سیاسی امت اسلامی نظریات معتدل، معقول، متوازن و باهم متناسب داشته است. انکشاف منطقی [ولایات] را به شکلی میخواست که استحکام ملی را بوجود آورد و استحکام ملی را به حیث خشت پخته در دیوار استقلال سیاسی کشورهای اسلامی به بکار برده است.»

شاه امان الله خان تلاش داشت تا جامعه افغانستان را که سالیان متمادی به علت فقدان یک اداره سالم، و نبود قوانین و نهادهای قضائی و حقوقی به انواع مصایب اجتماعی و اقتصادی سردوچار بود، از ورطه بدبختی نجات بدهد و بجای آن یک دولت ملی و قانونی که برپایه های ارکان سه قوه (اجرائیه، تقنینیه و قضائیه) استوار باشد ایجاد نماید. برای تحقق این هدف او از آغاز تشکیل دولت مشروطه خواهان دست به تدوین یک تعداد قوانین و نظامنامه ها در عرصه های مختلف شئون اجتماعی و اقتصادی و حقوقی زد و علاوه بر تدوین و تصویب قانون اساسی «نظامنامه اساسی دولت علیه افغانستان» بیش از پنجاه قانون نامه دیگر در پنج سال اول حکومت مشروطه بنام نظامنامه از قبیل: نظامنامه مجلس لویه جرگه، نظامنامه استعفای مامورین ملی، نظامنامه تذکره نفوس و حصول پاسپورت و قانون تابعیت، نظامنامه بودیجه عمومی، نظامنامه فروش املاک دولتی، نظامنامه محصول مواشی، نظامنامه جزای عمومی، نظامنامه تشکیلات ملی، نظامنامه اخذ گمرکات، نظامنامه تصفیه محاسبه ماضیه، نظامنامه تعمیرات، نظامنامه صنایع دولت، نظامنامه وزارت معارف، نظامنامه تعلیمات فنی و انجینیری، نظامنامه مطبوعات، نظامنامه ناقلین، نظامنامه ترفیع و تقاعد و مامورین، و غیره نظامنامه ها زد که آقای حبیب الله رفیع مجموع آنها را تا ۷۷ نظامنامه برشمرده است.

سال گذشته خبر چاپ مجموعه نظامنامه های عهدامانی را از سوی استاد رفیع در کابل شنیدیم. ناگفته نباید گذشت که داکتر سید عبدالله کاظم نیز درباره نظامنامه های عهدامانی رساله مستقلی نوشته اند و در پورتال افغان جرمن آنلاین به نشر سپرده اند که خواننده علاقمند میتواند به ارشیف مقالات شان در آفغان جرمن آنلاین رجوع کرده از آن فیض برند.

استاد رفیع می افزاید: شاه «برای نظارت از چگونگی تطبیق قانون پروگرام هایی را نیز رویدست گرفته بود که تحت نظر شخص شاه به ولایات و نایب الحکومگی ها هیئت های تفتیش میرفتند، کارهای مامورین و کارکنان دولت را در چوکات قوانین و نظامنامه ها تفتیش و کنترل میکردند و گزارش کارشان را بحضور شاه تقدیم میداشتند و شاه آنها را به دقت ملاحظه میکرد. گاه گاهی شاه شخصاً دفاتر را میدید و بعد از علم آوری کامل مجلس عام دائر می نمود و در آن مامورین صادق را مکافات و مامورین متخلف و استفاده جو را مجازات میکرد.»

اعلیحضرت امان الله خان به ولایات شمالی، مرکزی، شرقی و جنوب شرقی کشور با هیئت های معیّتی خود شخصاً چنین سفرها را انجام داده که جریان بررسی و گزارشهای مربوطه در جراید و کتب آنوقت نشر شده اند. شاه به سلسله همین سفرها در سال ۱۳۰۴ ش یک سفرسی و پنج روزه به قندهار کرد و از امور آن ولایت بدقت تفتیش نمود که جریان بررسی خود را از هر یک از ادارات مختلف آن ولایت از جمله امور معارف آنجا به تفصیل در کتاب "حاکمیت قانون" درج و نشر کرده است.

### نکاتی از گزارش شاه :

شاه امان الله در تاریخ ۴ قوس ۱۳۰۴، در جمع وزراء، معینان، مدیران و ماموران ملی و نظامی در قصر دلکشا گزارش کاملی از سفرش را ارایه نمود.

شاه گزارش داد که: «از قندهار اگرچه یک هفته میشود که آمده ام، چون ناخوش بودم تا حال نتوانسته ام که شما را ببینم معافم کنید. می خواهم که یک قدری از معلومات این سفر چند روزه قندهار خود، و از کارهای که در آنجا اجرا شده است بشما معلومات بدهم بلکه ازین گفتار من برای شما نصیحت و برای اشخاصیکه در اطراف افغانستان می باشند یک درس عبرت داده می شود.

روزیکه به قندهار داخل شدم بسیار نفری به استقبال من آمده بودند، اگرچه در تعداد نفری امروز بسیاری مردم مبالغه میکنند لیکن خودم چون بیشتر جمعیت های را دیده ام می توانم که به فکر و خیال

خود تخمین درستی امثال این ازدحامات و انبوهی خلائق را بکنم. گفته می‌توانم که تعداد جمعیت آنروزه در میان سی سی و پنج هزار نفوس بوده است وقتیکه این نفری مرا دیدند به اندازه محبت و گرمجوشی فوق‌العاده خود را بمن نشان داده که مرا خیلی متاثر ساختند. میدانید که من به امثال این پذیرایی‌ها و رسمیات چندان پابندی ندارم و نه به مدح کسی خوشحال و نه به قبح کسی اهمیتی میدهم فقط عشق ترقیات و تعالی ملت محبوبم را بدل می‌پرورانم.

اشخاصیکه اطفال خود را به مکتب داخل کرده بودند و باز توجه به رفتن آنها به مکاتب نه نموده بودند، و یا بچه‌های شانرا خارج کرده بودند، بحضور خود خواسته و با آنها نطقی کرده و به دلایل معقول اوشانرا ازین خطای شان دانانده امر کردم که مجدداً فرزندان خود را بمکاتب بیاورند و علاوه پنج پنج رویه هر واحد آنها را محض تنبیه جریمه نمودم. آنها نیز بدین غلطی خودها اعتراف کرده بصورت فوری بچه‌های خود را بمکتب آوردند و اگر اظهار تاسف نمی‌کردند و مرتبه اول نمی‌بود. البته که از اوشان سخت بازخواست می‌شد.

برای طلبه که داخل مکاتب و به تعلیم خود حاضر بودند البته به اخبار خواننده باشید که انعامات را که سزاوار بودند دادم و در تعداد مکاتب قندهار نیز افزوده امر کردم که علیحده به تعداد هفتصد نفر طلبه‌ایکه اکنون شهر قندهار منظوری دارد از شش صد الی هشتصد نفر طلبه دیگر بران افزوده شود. در مکتب اهل هندو رفتم تعداد طلبه ایشان را نسبتاً کمتر یافته‌ام و آن علت دارد زیرا که هندوهای قندهار را ما از دست خود از مکاتب رم دادیم چنانچه که سال گذشته کدام سر معلم یک یا دو نفر هندو بچه را بزور مسلمان کرده؛ نی ما چنانچه پیشتر گفتیم که مسلمانی بزور دادن پول نیست و باید ما با هندوهای مملکت خود، این‌طور وضع را اختیار نه کرده اسباب تنفر آنها را روی کار نیاوریم و معلم و مدیر مکتب بجز دادن تعلیم به هیچ حق این امر را ندارند که به مسلمان شدن و هندوماندن آنها غرض و کاری داشته باشد اگر آنها به میل و رضای خود از عقاید پاک و اوامر صحیح اسلامی متاثر شده مسلمان می‌شوند، پس باید که بزور تعلیم نی بلکه به محکمه به نزد قاضی رفته ایمان بیاورند.

میدانید که اهل هندو در افغانستان یک جز بسیار ضعیف میباشند، می‌باید که ما و شما مراعات خاطر آنها را به هر طور که بتوانیم بکنیم و به آنها دلداری بدهیم و به هیچ صورت اوشان را از خود خفه و دلگیر نسازیم.

هرکسی که در افغانستان سکونت دارد و از هر فرقه که باشد و هر کار و هر صنعت و خدمتی که بکند تماماً افغان گفته می‌شوند. و خودم هیچ یک نوع امتیاز یا افتراقی را در بین افغانهای مملکت خود مناسب نمی‌بینم. شیعه و سنی را مسلمان و کلمه گوی و پیرو قرآن میدانم.

شاه امان الله از تبعیض و نفاق میان اقوام کشور نفرت داشت و در یکی از خطبه‌های نماز جمعه در قندهار بصراحت گفت: « هندو ، هزاره ، شیعه ، سنی ، احمدزایی و پوپلزایی نداریم ، بلکه همه یک ملت هستیم و آنها افغان! » (پوپلزایی، سفرهای غازی امان الله شاه، چاپ انتشارات میوند، ص ۲ )

شاه می‌افزاید: امر کردم که نامهای سابقه موقوف و آینده تمام مکاتب بنام مکاتب ابتداییه با اسم گذر و محل خود یاد شوند و بچه‌های قریب و نزدیک هر مکتب بدون تفریق در همان مکتب که پهلوی خانه‌ی اوست آمده مجموعاً تعلیم بگیرند و در تعلیمات عمومی هندو و مسلمان پهلوی به پهلوی نشسته درس بخوانند البته در وقت تعلیم دینیات هندوها علیحده و مسلمانان علیحده دینیات و عقاید خود را یاد کنند ما را نباید که از حالا تخم نفاق و تفرقه را در میان ملت خود بینداریم، بلکه تا بتوانیم در اتحاد و اتفاق و گرمجوشی شان بکوشیم. جایهای سابقه مکاتب هم اگرچه چندان بد نبود اما چون حالا تعداد طلبه افزوده شد جایهایی درجه دوم قندهار را از برای مکاتب تخصیص کردم تا طلبه در آن درس بخوانند.

مدیر معارف قندهار را می‌شناسید که یک شخص درست و کارهای خوبی کرده اگرچه بعضی چیزهای جزوی از وی سر زده بود و یا به حقیقت آن نرسیده... بهر تقدیر، چون خدماتش خوب و در امور عرفانی قندهار کوشش ورزیده بود و در تفتیش هم چیزی از او دیده نتوانستم برای خود مدیر معارف نشان ستور درجه دوم و به دو نفر سرمعلم درجه سوم ستور و برای شش نفر معلمین دیگر سه ماهه تنخواه بصورت بخشش داده شد.

به من تکرار می‌گویند گویا از این رهگذر ترقی خواهی و معارف‌پروری تجار قندهار بر سوداگرهای کابل گوی سبقت را ربوده‌اند و موجبات محبت و خلوصیت مرا به خود بیشتر جلب کرد که باوجود کم‌بضاعتی و بی‌ثروتی که در اعلی‌ترین دوکانهای شان بیشتر از پنج هزار روپیه مال دیده نمی‌شود و حتی از بسیار اسباب کارآمد دکانهای اعلی آنها علی‌العموم خالی میباشند، بدون یک گفت و شنود و مذاکره به محض اظهار فیصد یک روپیه بر محصولاتشان اعانه معارف را قبولدار شدند و تاجرهای کابل باوجود این وسعت تجارت و کثرت ثروت تا حال برای ترقی معارف و ازدیاد امور عرفانی مملکت خویش هیچ یک اقدام شایانی نه کرده‌اند!

تنها چیزیکه باقی می‌ماند و هیچ اندیشه گم‌شدن و بدزدی رفتن و نقصان را ندارد همین علم است و عرفان چیزیکه برای سعادت دینی و دنیوی بکار می‌افتد علم است، چیزیکه یک ملت را به نظر دوست و دشمن به وقار و صاحب اعتبار نشان می‌دهد همین علم است چیزی که حقیقتاً یک ملت را باترقی می‌سازد علم است.

از گزارش فوق می‌توان به افکار بلند و عشق این شاه مترقی به پیشرفت و تعالی کشور و جدیتش در اداره امور پی برد.» (تلخیص گزارش از سایت همبستگی مردم افغانستان)

شاه امان الله اولین شاهی درکشور ما وکشورهای منطقه است که شخصا به تدریس کلان سالان می پرداخت و سیستم جدید سواد آموزی وضع کرده بود که در مدت ده ساعت یک کلان سال را قادر به خواندن و نوشتن میکرد.

در برگه فیسبوک "کابل شهر رویا های ویران" درباره شاه امان الله نوشته شده «او کسی نیست که مهره های برخاسته از گیر و دار تشنج ها و خانه جنگی ها او را لقب و مقام قهرمانی بدهد و یا از او این القاب را بگیرد، او بانی استقلال است. او غازی نبرد استعمار است. او آغازگر عدالت اجتماعی است. ایجادگر پیشرفت و مدنیت است. پشت پا زننده تاج و تخت است. آغازگر مبارزه از فامیل خود است. مرد منورست که تابو شکن است. هنجار شکن است. عیاری است از رگ شاهانه که انتخاب زندگی درویشانه را کرد، مرد فرزانه کشور امان افغان افتخار افغانستان جای تو در قلب انسان های روشنفکر وطن دوست و عدالتخواه همیشه جاودان است.» (december2- 2016)

شاه امان الله البته مثل هر انسان دیگر از اشتباه خالی نبود، او که عشق آتشین نسبت به تعالی مردم خود داشت، در آوردن تغییرات سریع درکشور اشتباهاتی هم از او سرزد، اما ارزشهای بزرگی را بنیان نهاد که باگذشت ۱۰۲ سال هنوز در مواردی بصورت کامل به آنها دست نیافته ایم.

استاد رفیع در برگهای اخیر حاکمیت قانون (صفحات ۲۴۴-۲۴۲) شرحی دقیق از علایق و خصوصیات رفتاری شاه امان الله را بدست نشر سپرده است. و تذکر رفته که در شماره ۲۹ اسد سال ۱۳۰۲ امان افغان تحت عنوان "مکتوبی از کابل" طبع گردیده است. و در ادامه آن فهرست ۷۷ نظامنامه عهدامانی ضمیمه شده است.

